

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جو آلن
برگردان از: نیکوپوروزان
۲۵ اکتوبر ۲۰۱۶

ویتنام: جنگی که ایالات متحده در آن به زانو درآمد

۵

کنفرانس ژنیو و پیمان‌نامه‌ها

کنفرانس ژنیو... تنها یک میان پرده در فاصله دو جنگ بود.

استتلی کارناو

در حالی که جنگ در دنین بنین فو زبانه می‌کشید، کنفرانسی طراحی شده بود که تا در جولای ۱۹۵۴ در ژنیو به مسایل بازمانده از جنگ کوریا بپردازد که به تازگی خاتمه یافته بود. شرکت کنندگان در این کنفرانس عبارت بودند از ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، روسیه [اتحاد جماهیر شوروی] و چین. مسأله ویتنام نیز پس از تسلیم فرانسه [در دنین بنین فو] به دستور جلسه افزوده شد. اما، "کنفرانس ژنیو نتوانست راه حلی با دوام در مورد درگیری در هندوچین ارائه دهد، و صرفاً آتش بسی را مطرح ساخت که می‌بایست با راه حلی سیاسی دنبال شود، امری که البته هیچ گاه تحقق نیافت. از این نظر، کنفرانس تنها میان پرده‌ای در فاصله دو جنگ بود – یا بهتر این که گفته شود آرامشی موقت در یک جنگ بود.^۱

طرح اولیه فرانسه این بود که پس از پیروزی مورد انتظارش در دنین بنین فو به کنفرانس ژنیو رفته و از موضع قدرت راه حلی سودمند برای خود و مزدوران ویتنامی‌اش را تحمیل کند. حال، این ناسیونالیست‌های ویتنامی بودند که در موضع قدرت قرار داشتند. با این وجود، هو چی مین بار دیگر با گرفتن یک رشته از تصمیم‌های نادرست باعث به عقب افتادن استقلال ویتنام شده و صحنه را برای شروع جنگی دیگر آماده ساخت.

جان فاستر دالس^۲ که وزیر کشور در دولت آیزنهاور^۳ و یک کمونیست-ستیز متعصب بود نمایندگی دولت ایالات متحده در این کنفرانس را به عهده داشت. وی کمر همت بسته بود که تا از به قدرت رسیدن هر جنبش ناسیونالیستی دیگری

^۱ Karnow, p. 199.

^۲ John Foster Dulles

^۳ Dwight David "Ike" Eisenhower

قرارداد ژنیو برای فرانسوی‌ها راه خروج از هندوچین را فراهم ساخت. فرانسوی‌ها، اما، در پشت سر خویش کشوری ویران و متحدینی فاسد را بر جای نهاده بودند که پیرامون امپراتور و افسران ارتش استعماری گرد آمده بود. ایالات متحده به سرعت پای به این شرایط موجود نهاده و از آن چه که از دولت استعماری باز مانده بود در برپا سازی دولت دست نشانده‌اش استفاده نمود. ایالات متحده امپراتور را وادار ساخت تا **نگو دین دنیم**^۷ را به عنوان رئیس کشور ویتنام جنوبی اعلام کند. **دیم** یک کاتولیک صوفی مسلک بود که در ایالات متحده زندگی می‌کرد و دوستانی پرنفوذ مانند **کار دینال اسپلمن**^۸ و **سناتور جان اف. کندی**^۹ داشت.^{۱۰}

دولتی که ایالات متحده در دهه پنجاه در ویتنام جنوبی سرهم‌بندی کرده بود، چیزی جز یک دیکتاتوری بی‌رحم و فاسد نبود که پیرامون خانواده **دیم** شکل گرفته بود – یک دیکتاتوری دیگر از ردیف دیکتاتوری هائی مانند **دووالیه**^{۱۱} در هائیتی، خانواده **سوموزا**^{۱۲} در نیکاراگوئه، و **مارکوس**^{۱۳} در فیلیپین. برادر **دنیم** رئیس پولیس مخفی بود و برادر دیگرش اسقف کاتولیک شهر **هونی** بود. اگرچه **دنیم** از سوی بسیاری از لیبرال‌ها در ایالات متحده به عنوان تنها امید برای دموکراسی و آزادی مورد ستایش قرار می‌گرفت، خود وی اما خود را به عنوان امپراتور عصر جدید می‌دید. از زبان خودش، **"احترامی مقدس شایسته شخص اعلیحضرت است. او [مذکر] که بزرگ دارنده کیش ملی است، رابط میان عوام و بارگاه الهی می‌باشد."** زمانی که کلیسای کاتولیک اسپانیا دست در دست دیکتاتوری فاشیست **فرانکو**^{۱۴} داشت، وی در مصاحبه دیگری خود را یک **"کاتولیک اسپانیایی"** نامید.^{۱۵} وی در سال ۱۹۵۵ یک فرماندوم سرپا تقلب را به راه انداخت و مدعی گردید که خودش ۹۸/۲ درصد آراء را در این فرماندوم به دست آورده است.^{۱۶}

هدف فوری **دنیم** به دست گرفتن کنترل پایتخت بود. سازمان سیا تیمی را به رهبری **ادوارد لندز دیل**^{۱۷} به ویتنام فرستاد تا به **دنیم** برای به دست گرفتن کنترل سایگون و شکست دادن ترکیبی از گانگسترها و گروه‌های مذهبی مسلح یاری رساند. **لندز دیل** پس از این توجهش را به هدایت یک عملیات مخفی در ویتنام شمالی معطوف ساخت. وی فرار نزدیک به یک میلیون کاتولیک به ویتنام جنوبی را دسیسه‌چینی کرد. بسیاری از این به اصطلاح پناهنده‌ها در کنار زمین-داران، هم‌دستان پیشین فرانسوی‌ها، و بورژوازی بومی به پایگاه سیاسی دولت ضد-کمونیست **دنیم** تبدیل شدند. سپس، **دنیم** موجی از ترور را علیه هواداران **ویت مین** به راه انداخت. ده‌ها هزار نفر به زندان افتاده و یا به دست جوخه‌های ترور کشته شدند و تا پایان دهه پنجاه بسیاری از مناطق عملاً از وجودشان پاک شد. بر اساس آمار همین رژیم، بیست هزار نفر به اردوگاه‌ها فرستاده شده و در کل از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۰ تعداد ۴۸۲۵۰ نفر به زندان افکنده شدند.^{۱۸} – که

⁷ Ngô Đình Diệm

⁸ Francis Joseph Spellman (1889 – 1967)

اسپلمن، کار دینال کلیسای کاتولیک و اسقف اعظم نیویورک از ۱۹۳۹ تا ۱۹۶۷، ضد-کمونیستی دوآتشه بود که با **ژوزف مک کارتی** از نزدیک همکاری داشت. هنگامی که گورکن‌های گورستان کالوری در کونینز در سال ۱۹۴۹ برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند، این اسقف اعظم آن‌ها را کمونیست خوانده و طلبه‌های حوزه علمیه سینت ژوزف را به عنوان اعتصاب‌شکن به کار گرفت. وی در مورد این اعتصاب گفته بود که **"اعتصابی غیر اخلاقی و توجیه ناپذیر علیه مردگان بی گناه و خانواده‌های داغدارشان، و علیه مذهب و نزاکت انسانی است."** (م.)

⁹ John F. Kennedy

¹⁰ Karnow, p. 217.

¹¹ Jean-Claude Duvalier

¹² Anastasio "Tachito" Somoza DeBayle

¹³ Ferdinand Emmanuel Edralin Marcos, Sr.

¹⁴ Francisco Paulino Hermenegildo Teófilo Franco Bahamonde

¹⁵ Quote in Gibson, p. 172.

¹⁶ Gibson, p. 72.

شباهتی بی مانند میان جلااد سایگون و "امام خمینی"، جلااد جماران. (م.)

¹⁷ Colonel Edward Landsdale

¹⁸ Kahin, p. 96.

بی تردید آمار واقعی از این هم بسیار بالاتر است. تنها در یک منطقه با جمعیت ۱۸۰۰۰۰ نفر، تعداد هفت هزار نفر زندانی شده و سیزده هزار نفر صرفاً ناپدید گشتند.^{۱۹}

دنییم در مناطق روستائی کارزار ضد-انقلابی به راه انداخت و با استفاده از قدرت دولتی زمین‌داران ثروتمند را به قدرت باز گرداند. هم‌زمان کمک‌های نظامی و اقتصادی ایالات متحده به کشور سرازیر شده که دولتی نظامی و طبقه سرمایه‌دار فاسدی که وفادار به دنییم بود، ایجاد نمود. هم‌زمان با رشد مخالفت در اواخر دهه پنجاه، دنییم نیز به افزایش سرکوب دست زد که نشانه‌اش قانون معروف به ۱۰/۵۹ بود که اجازه می‌داد که دولت هر گونه مخالفی را با مارک "فعال کمونیستی" به زندان بیفکند. در آغاز دهه شصت، دولت منزوی دنییم آن چنان در فساد غوطه‌خور شده و چنان مورد نفرت توده‌ها قرار داشت که مخالفت‌های وسیع همگانی سر برآورد. کادرهای پیشین ویت مین با استفاده از شرایط موجود بار دیگر دست به ترمیم و بازسازی هسته‌های مقاومت در مناطق روستائی زده و مبارزه مسلحانه را از سر گرفتند. مخالفت علیه دنییم در خیابان‌های سایگون به نمایش گذاشته شد، و راهبان بودائی که از رژیم ستمگر کاتولیک دیم به ستوه آمده بودند در رأس آن قرار داشتند.^{۲۰}

هو چی مین و حزب کارگران ویتنام (ویت مین که به این اسم نام‌گذاری شده بود) بیشتر وقت‌شان را در نیمه دوم دهه پنجاه صرف تحکیم قدرت در بخش شمالی ویتنام نمودند. پاسخ حزب به قساوت‌های رژیم دیم و بی‌اعتنائی آشکار به قرارداد ژنیو این بود که اعلام می‌کردند که آن‌ها به اجرای آن متعهد هستند. اما، ادامه این رفتار به طور فزاینده‌ای مشکل می‌شد. دولت هو از سوی هزاران رزمنده ویت مین، سازماندهان سیاسی و بستگان‌شان که پس از امضای قرارداد به شمال مهاجرت کرده بودند، و آن‌هایی هم که در جنوب باقی مانده بودند تحت فشار قرار داشت که دست به کاری بزنند.

هو چی مین سرانجام در سال ۱۹۵۹ تعهد نمود که جنوب را از شر دیکتاتوری دنییم و ارباب‌های امریکائی‌اش آزاد سازد. جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی (NLF) شکل گرفت که مخالفان دنییم را در بر گرفته و هواداران حزب کمونیست در آن دست بالا را داشتند. برنامه جبهه متعهد به اصلاحات دموکراتیک و در نهایت اتحاد دو بخش ویتنام بود. راه رسیدن به اهداف این برنامه را جبهه از طریق مبارزه مسلحانه در روستاها و بر اساس حمایت روستائیان قرار داده بود. جبهه آزادی‌بخش ملی (که نیروهای ایالات متحده به عنوان تحقیر آن را ویت کنگ می‌نامیدند) به سرعت به نیروی جدی سیاسی تبدیل شد. جبهه در سال ۱۹۶۰ تعداد پنج هزار چریک در اختیار داشت که در سال ۱۹۶۱ به پانزده هزار نفر رسید. سازمان جاسوسی امریکا (سیا) گزارش داده بود که جبهه در طی یک سال توانسته است که کنترل عمده مناطق روستائی را به دست بگیرد.

جان اف کندی که در زمره اولین هواداران دنییم بود در سال ۱۹۶۱ به ریاست جمهوری رسید، و بلافاصله دریافت که دنییم رو در روی فاجعه قرار گرفته است. پاسخ کندی افزایش تعداد رایزن‌های نظامی و غیر نظامی و وارد آوردن فشار به دنییم برای وسعت دادن به پایه‌های رژیمش بود. اما، وی ایده تقسیم قدرت را رد نموده و در عوض بر وسعت و شدت سرکوب در داخل کشور افزود.

دولت کندی ویتنام جنوبی را به آزمایشگاه عظیمی برای آزمایش تکنیک‌های جنگ ضد-انقلابی تبدیل نمود. از جمله، پروژه وسیعی برای تعیین تأثیرات جنگ با استفاده از علف‌کش‌ها به راه افتاد. "تنها اگر بتوانیم جنگل‌ها را صاف کنیم" به اصطلاح شعار عملیات موسوم به "گاوچران" بود که در سال ۱۹۶۲ و با ریختن مواد کیمیائی از هوا آغاز شد

¹⁹ Young, pp. 44-46.

²⁰ Kahin, pp. 97-98.

و به مدت هشت سال و با ریختن بیش از صد میلیون پوند مواد کیمیائی ادامه یافت.²¹ پروژه موسوم به "دهکده ستراتژیک" از دیگر پروژه‌های عمده ضد-قیام بود که در آن با استفاده از نیروهای وسیع نظامی به یک منطقه برای پاکسازی از وجود چریک‌ها حمله شده و آن‌گاه بازمانده اهالی را به زور کوچانده و در مجتمع‌هایی که تحت مراقبت‌های نظامی قرار داشت اسکان می‌دادند. هدف از این عملیات خالی کردن اقیانوس (مردم) از ماهی (چریک‌ها) بود. اما، در ماه مارچ ۱۹۶۲ و به دنبال عملیات آفتاب، مناطقی که مردم به زور در آنجا اسکان داده شده بودند به تصرف جبهه آزادیبخش ملی در آمد.²²

سیر سقوطی دولت دنیم، اما، بی‌وقفه ادامه داشت و پایه‌های پشتیبانی‌اش دائماً سست می‌شد. در شرایط آن روز، سقوط رژیم در ویتنام جنوبی و به قدرت رسیدن جبهه آزادیبخش ملی امری کاملاً مسجل به نظر می‌رسید. اما، در عین حال دنیم خود دریافته بود که امریکائی‌ها هم به دنبال آن هستند که از شر وی خلاص شوند. به این منظور و در یک تلاش نهائی برای نجات خویش، وی برادرش را برای به اصطلاح یافتن یک راه حل سیاسی به ملاقات با رهبران ویتنام شمالی فرستاد. کندی به محض آگاهی از این مطلب دستور داد تا سیا دولت وی را سرنگون سازد. بدین ترتیب و در دوم نومبر ۱۹۶۳ دنیم به دست ارتش خودش سرنگون گردید. دنیم و برادرش در طی این کودتا به قتل رسیدند. دو هفته بعد از آن، کندی نیز در دالاس به قتل رسید. در دوران کوتاه زمامداری کندی تعداد مستشارهای نظامی امریکا در ویتنام جنوبی از هشتصد نفر به ۱۶۷۰۰ نفر رسید.²³

سرنگونی رژیم دنیم صرفاً بحران سیاسی در سایگون را عمیق‌تر ساخته و صحنه را برای دخالت همه جانبه نظامی امریکا آماده ساخت.

²¹ Young, p. 82.

²² Young, pp. 82-83.

²³ Young, pp. 60-88; Kahin, pp. 122-181.